

راه اندازی کارگروه و شبکه بررسی سیاست‌های عمومی

به منظور تحلیل پیشنهادیه‌های سیاستی (لوايح و طرح‌ها)



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
دفتر خدمات پژوهشی و کاربست یافته‌های پژوهشی

شناسه گزارش

عنوان	راه‌اندازی کارگروه و شبکه بررسی سیاست‌های عمومی؛ به‌منظور تحلیل پیشنهادیه‌های سیاستی (لوايح و طرح‌ها)
کد شناسه	۹۸-۵-۱۰۹۹
نام واحد	دفتر خدمات پژوهشی و کاربست یافته‌های پژوهشی
پدیدآورنده	سعید قاسمی‌زاده تمر
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	خرداد ۱۳۹۸
صفحه‌آرایی	محمد سعید حسن پور زرکامی
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نمی‌باشد.	
حقوق معنوی اثر متعلق به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر ماخذ بلامانع خواهد بود.	
آدرس: تهران - میدان بهارستان - خیابان صفی‌علی‌شاه کد پستی: ۱۱۴۹۹۴۳۱۴۱	
https://www.dfrc.ir/	
Email : info@dfrc.ir	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۴	معرفی کارگروه و اهداف آن
۵	ارکان
۶	فرایند کار
۷	مرحله اول: رصد
۹	مرحله دوم: فرایند پالایش و اولویت‌دهی
۱۱	مرحله سوم: بازتاب
۱۱	مرحله چهارم: تخصیص یا ارجاع کار
۱۳	مرحله پنجم: فرایند جمع‌بندی
۱۳	شبکه خبرگان سیاستی
۱۳	عضویت
۱۴	وظایف اعضاء شبکه
۱۵	سامانه و فرایند رصد لوایح و طرح‌ها
۱۹	پیاده‌سازی پایلوت
۲۳	پیوست: چارچوب کلی تدوین گزارش‌های سیاستی Policy Paper



راه‌اندازی کارگروه بررسی سیاست‌های عمومی^۱

به منظور تحلیل پیشنهادیه‌های سیاستی (لوايح و طرح‌ها)

مقدمه

نظام حکمرانی نوین شامل کارکردهایی مانند سیاستگذاری، تنظیم‌گری، باز توزیع، تسهیل‌گری در کنار کارکرد سنتی ارائه کالا و خدمات است و کیفیت این کارکردها، کیفیت و پیشرفت یک جامعه را نشان می‌دهد. نظام اداری، واحدهای پژوهشی، روشنگران و کنشگران اجتماعی، دانشگاهی و آزاد، یک کلیتی که می‌توان آن را **نظام کارشناسی کشور** نامید را برای ارتقاء کیفیت حکمرانی، مورد پشتیبانی قرار می‌دهند.

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، بعنوان بازوی پژوهشی سازمان برنامه و بودجه کشور، موظف است در راستای وظایف و مأموریت‌های خود، پیش‌نویس‌های لوايح و طرح‌های کشور را مورد بررسی قرار داده و نظرات کارشناسی را در اختیار سیاستگذاران ارشد نظام قرار دهد. مدیریت این فرایند در مرکز، بر عهده گروه کاربست یافته‌های پژوهشی دفتر خدمات و کاربست یافته‌های پژوهشی مرکز است که اهداف، اجزا و فرایندهای آن به شرح زیر است:

معرفی کارگروه و اهداف آن

کارگروه بررسی سیاست‌های عمومی یک واحد کوچک اداری است که به طور اختصاصی، تهیه گزارش‌های تحلیلی برای پیشنهادیه‌های سیاستی را پیگیری و مدیریت می‌کند. **هدف** این واحد، تسهیل ارتقاء جایگاه مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری بعنوان یک مرکز کارشناسی و اندیشه‌ورزی برای سازمان برنامه و بودجه کشور در درجه اول و برای قوه مجریه در درجه دوم است تا یکپارچگی و انسجام سیاست‌های توسعه‌ای ملی را محقق سازد. بنابراین هدف اولیه راه‌اندازی این واحد، تهیه

^۱ Public policy

گزارش‌های کارشناسی برای پیش‌نویس‌ها و پیشنهادیه‌های طرح‌ها و لوایح مطرح روز است. بدیهی است با توجه به حیطه وظایف و منابع در دسترس مرکز، در انتخاب موضوعات بر موارد اولویت دار تمرکز می‌شود. این کارگروه، برای اثربخشی حداکثری، یک شبکه خبرگی را دایر و اداره می‌کند که در این گزارش، بسته به مورد از عبارت کارگروه و یا شبکه بررسی سیاست‌های عمومی استفاده می‌شود.

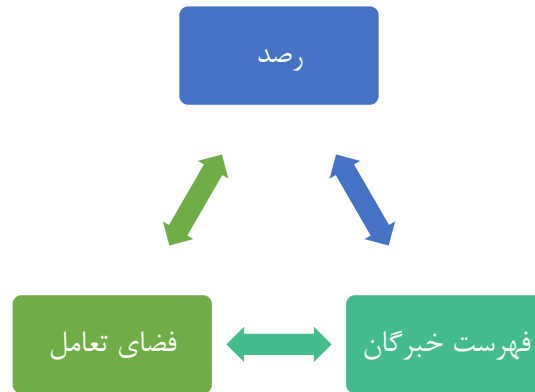
به طور کلی در امر سیاست‌گذاری، مراحل هم‌چون دستورگذاری، صورت‌بندی راه‌حل‌ها، تصویب، اجرا و ارزیابی قابل تفکیک هستند. یکی از مفروضه‌های اساسی سیاست‌گذاری، مساله‌شناسی سیاست‌گذاری است. باید یک مساله مورد ادراک قرارگیرد تعریف شود و لزوم دخالت دولت احساس شود. این مرحله توجهات را به مساله جلب می‌کند. عناصر درون دولتی و برون دولتی بر شکل دادن دستور کار سیاست‌گذاری دخیل هستند. مرحله مهم در سیاست‌گذاری، قرار دادن مساله شناسایی شده در دستور کار رسمی است.

این واحد، بر مرحله دوم چرخه سیاست‌گذاری، یعنی صورت‌بندی^۲ متمرکز است. باید توجه داشت که سیاست‌گذاری، بسیار پیچیده‌تر و پویاتر از این چرخه به ظاهر خطی است با این حال، این تفکیک برای منظور این طرح، مفید است. کارگروه بررسی سیاست‌های عمومی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، یک واحد چابک اداری برای ساماندهی فرایندهای (۱) رصد، (۲) اولویت‌دهی، (۳) بازتاب اولویت‌ها، (۴) ارجاع کار و (۵) تدوین توصیه‌های سیاستی در مورد آن دسته از مسائل عمومی اداره کشور است که در مرحله صورت‌بندی سیاست‌ها قرار دارند.

ارکان

این بخش از سه رکن (۱) سامانه رصد، (۲) خبرگان و (۳) فضای بازتاب (تعامل و تبادل اطلاعات)، تشکیل می‌شود.

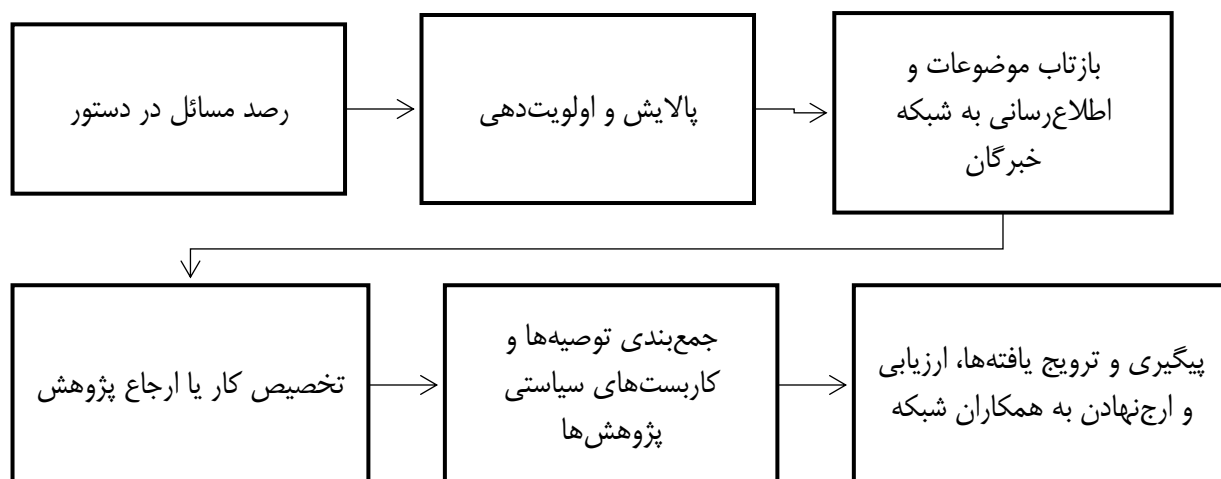
^۲ Formulation



شبکه خبرگان، مجموعه‌ای از مخاطبان پژوهشی است که حول موضوعات سیاستی رصد شده، پژوهش را انجام می‌دهند، سامانه رصد، محتوای سیاست‌ها را به صورت تسهیل شده در اختیار اعضای شبکه قرار می‌دهد و فضای تعامل، که در آن، فعالیت‌های اعضای شبکه در قالب جلسات حضوری، نشست‌ها و به اشتراک‌گذاری اطلاعات و تبادل افکار و آرا در فضای مجازی به انجام می‌رسد.

فرایند کار

این بخش پنج وظیفه عمده بر عهده دارد که طی آن یک سازماندهی هوشمند، پویا و چابک مورد نیاز برای نقش آفرینی افعال و پیشنهادگر، در بررسی و تصمیم‌سازی برای مسائل اولویت‌دار را فراهم می‌آورد.



مرحله اول: رصد

در مرحله رصد و پایش، از طریق شبکه‌ای از نهادهای مرتبط، مسائل در دستور و اقدامات اولیه تدوین سیاست‌ها شناسایی می‌شوند. این رصد در فاز اول به طرح‌های مجلس شورای اسلامی، لوایح دولت و پیش‌نویس مصوبات شوراهای عالی که در مرحله بررسی در کمیسیون‌های تخصصی مربوطه قرار دارند، محدود می‌شود.

ورودی‌های رصدخانه مسائل و دستور کارها					
اداری (کمیسیون‌های تخصصی)	افراد کلیدی	اندیشکده‌ها	ابلاغی از روسا	خبرگان شبکه مرکز	نظر سنجی عمومی

اما ورودی‌های سامانه رصد، می‌تواند گسترده‌تر از این باشد که گسترده‌ترین شکل آن را می‌توان در مدل‌های پوشش محیطی یافت. بازخور در یک سامانه رصد اجتماعی از کلیدی‌ترین عناصرها است که جهت‌دهی درست و یادگیری را برای افراد متولی ممکن می‌سازد.

چند نمونه مسأله ورودی به رصدخانه:

خزانه داری، سازمان یا ادغام با بودجه سازمان برنامه
لایحه حذف چهار صفر و تغییر واحد پول ملی
آئین نامه راهبری شرکتی در شرکت های دولتی
ساماندهی بازار خودرو
طرح جامع مدیریت شهری
طرح اصلاح جدول حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی
لایحه اصلاح بند ۳ ماده ۵ قانون مالیات های مستقیم
لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دوات جمهوری عراق
قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر ارتقای نظام مالی کشور
قانون مالیات های مستقیم
طرح الحاق دو تبصره به بند د ماده ۸۸ قانون برنامه پنج ساله ششم
طرح الزامات اجرائی توزیع و عرضه سوخت و CNG در کشور
طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه های معیانات گازی و نفت خام با استفاده از سرمایه گذاری مردمی
لایحه مشارکت عمومی و خصوصی

نمونه گزارش خروجی کلی رصد (به همراه امتیازدهی اولویت‌ها):

رتبه اولویت	اولویت نهایی	اولویت برای مرکز	اولویت برای کشور	تاریخ مهم	وضعیت	موضوع
۲	۲۰	۱	۲		پیشنهاد ایجاد سازمان	خزانه داری، سازمان یا ادغام با بودجه سازمان برنامه
۷	۳۰	۲	۲			لایحه حذف چهار صفر و تغییر واحد پول ملی
۵	۲۵	۲	۱		از وزارت اقتصاد	آئین نامه راهبری شرکتی در شرکت های دولتی
۵	۲۵	۲	۱			ساماندهی بازار خودرو
۷	۳۰	۲	۲			طرح جامع مدیریت شهری
۷	۳۰	۲	۲			طرح اصلاح جدول حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی
۲	۲۰	۱	۲			لایحه اصلاح بند ۳ ماده ۵ قانون مالیات‌های مستقیم
۷	۳۰	۲	۲			لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دوات جمهوری عراق
۱	۱۵	۱	۱			قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر ارتقای نظام مالی کشور
۲	۲۰	۱	۲			قانون مالیات های مسیقیم
۷	۳۰	۲	۲			طرح الحاق دو تبصره به بند د ماده ۸۸ قانون برنامه پنج ساله ششم
۱۳	۴۵	۳	۳			طرح الزامات اجرائی توزیع و عرضه سوخت و CNG در کشور
۱۳	۴۵	۳	۳			طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه های معیانات گازی و نفت خام با استفاده از سرمایه گذاری مردمی
۷	۳۰	۲	۲			لایحه مشارکت عمومی و خصوصی

مرحله دوم: فرایند پالایش و اولویت‌دهی

با توجه به این امر که شبکه خبرگی، در حال حاضر به مشاوران و کارشناسان همکار مرکز محدود است، با هدف همسان‌سازی توان با مسئولیت‌ها، اولویت‌دهی و انتخاب چند موضوع از میان همه موضوعات ضرورت دارد. در مرحله پالایش و اولویت‌دهی، دبیر شبکه، فهرست موضوعات رصدخانه را برای اولویت‌دهی تهیه می‌کند. نحوه اولویت‌دهی در این مرحله نیز، در فازهای یک و دو، دارای سازوکار متفاوتی است.

در فاز نخست، فهرست موضوعات پالایش اولیه به پیشنهاد دبیر یا مسئول بخش در اختیار رئیس مرکز و رئیس گروه‌های پژوهشی قرار می‌گیرد و با نظر آنها، فهرست نهایی تهیه می‌شود و در فاز دوم، علاوه بر سازوکار نخست، از شبکه خبرگی نیز

برای اولویت سنجی، یاری گرفته می‌شود. بنابراین امید است با مشارکت فعال ذی‌نفعان زیر در شبکه خبرگان، اولویت دهی با همکاری

۱. رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
۲. روسای گروه‌های پژوهشی مرکز
۳. معاونت‌های تخصصی و امور تخصصی سازمان
۴. نمایندگان دستگاه‌های کلیدی و ذی‌نفع
۵. خبرگان سرشناس شبکه

معیارهای اولویت دهی، می‌تواند به شرح زیر باشد:

- اولویت ملی باشد یعنی در کلام مدیران ارشد نظام بعنوان چالش‌ها و بحران‌های طرح شده باشند.
- در حیطه مأموریت‌های اصلی سازمان برنامه و بودجه باشد یا به محیط سازمان مرتبط باشد.
- از تقدم موضوعی نسبت به دیگر موضوعات برخوردار باشد.
- حسب فوریت و اثرگذاری و پیامد اجتماعی، در دایره توجهات شبکه خبرگی باشد.

نمونه نتایج اولویت‌دهی شده:

موضوع
قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر ارتقای نظام مالی کشور
خزانه داری، سازمان یا ادغام با بودجه سازمان برنامه؟
لایحه اصلاح بند (۳) ماده (۵) قانون مالیات های مستقیم
قانون مالیات های مستقیم
آئین نامه راهبری شرکتی در شرکت های دولتی
ساماندهی بازار خودرو
لایحه حذف چهار صفر و تغییر واحد پول ملی
طرح جامع مدیریت شهری

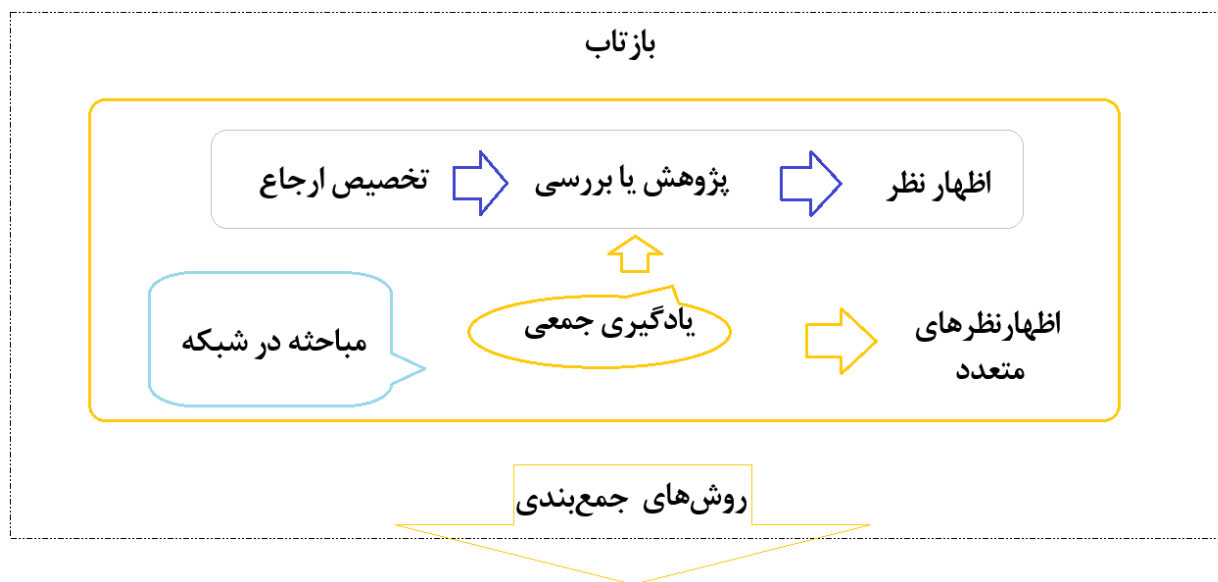
مرحله سوم: بازتاب

پس از تهیه فهرست اولویت‌های پیشنهادیه‌های در دست اقدام کشور، لازم است این فهرست به نحو مقتضی در شبکه خبرگان موضوعی (یعنی ممکن است برخی موضوعات حساس، فقط برای بخشی از خبرگان رده بندی شده اطلاع رسانی شود)، منعکس شود. این مرحله، برای مدیریت دانش و حفظ پویایی شبکه خبرگی لازم است. در واقع، انتشار و اطلاع‌رسانی درون شبکه‌ای، یک پاداش اولیه برای نخبگان بالفطره سیاست‌گذاری (در زبان انگلیسی به این افراد صفت Wonk داده می‌شود) است که ستون اصلی بخش بررسی‌های سیاستی را تشکیل می‌دهند.

مرحله چهارم: تخصیص یا ارجاع کار

در این مرحله، و به خصوص در فاز اولیه راه‌اندازی این بخش، افراد خبره معدودی، برای بررسی طرح، به کار گرفته می‌شوند. برای داشتن شبکه خبرگی پویا و توأم با یادگیری جمعی، لازم است امکان تعامل بین خبرگان فراهم آید. تخصیص فرد به طرح، در یک شبکه، تعارضاتی با همکاری‌های ارتقاء یافته شبکه‌ای دارد. بنابراین، در این مرحله، کمترین تأکید باید بر ارجاع کار به افراد شبکه صورت پذیرد و فقط برای کمک به تیم‌سازی و یا ایجاد انگیزه اولیه برای رهبری مباحث، به ارجاع رسمی کار، اقدام شود و بیشتر اجازه داده شود نظم خودجوش در شبکه ایجاد شود.

بیشترین مواظبت باید برای نیستن ورودی‌های داوطلبانه، صورت پذیرد. پویا سازی و پویا نگهداشتن تعاملات در شبکه، حساس‌ترین مأموریت کارگروه است که نیازمند هنر و ظرافت بسیار است.



طبق نمودار فوق، هسته سخت و اجباری سیستم بازتاب، فرایند تخصیص کار است و مکمل آن، پویاسازی شبکه تعاملات است که به پژوهشگران موجود امکان می‌دهد با تسهیل بیشتری به حجم اطلاعات بیشتری دست یابد و یادگیری جمعی در شبکه ایجاد شود.

اساسی‌ترین اقدام در این مرحله بازتاب، به اشتراک گذاری اطلاعات است. این فرایند دو بازخور دارد. نخست، همه اعضای شبکه، از فضایی مملو از اطلاعات به‌رمند می‌شوند، خبرگان اینکه در یک فضای، مستنداتی، به‌طور مطمئن در دسترس داشته باشند را ارزشمند می‌دانند. از نظر خبرگان این اطمینان به فضای نرم‌افزاری سیستم بازتاب، بسیار با ارزش است و بودن و حضور در شبکه را سودمند می‌کند.

دوم، شفافیت پژوهش است، حال پژوهشگران می‌دانند که محتوای تولید شده خود را به یک شبکه پویا عرضه می‌کنند که اعتبارسنجی و ارزیابی پویایی بر آن حاکم است. این بازخور، رمز ارتقاء کیفیت گفتگوها و گزارش نویسی‌ها خواهد بود و فقط پژوهشگران واقعی حاضر به فعالیت در چنین فضایی خواهند بود و با همین سیاست ساده، سازوکار سلب عضویت نهادهای حرفه‌ای، فعال می‌شود.

نکته سوم، تسهیل اجرای روش‌های رسیدن به اجماع و طراحی اقدام (در اینجا سیاست) است. در چنین فضایی، به آسانی می‌توان فرایندهای آینده‌نگاری و دیگر روش‌های ذیل آن را اجرا کرد. به عبارت دیگر چرخه، عرضه اطلاعات، ایجاد مباحثه و بازنویسی پیشنهادیه، به صورت رفت و برگشتی، بخشی از فرایند یادگیری جمعی هستند. در مراحل پیشرفته‌تر می‌توان این هسته را، معرفت‌شناسی جمعی نامید که ظرفیت سازمانی بزرگی برای پرداختن به مسائل بفرنج و پیچیده اجتماعی را تأمین

می‌کند و سازمان را از مرحله اتکا به دانش فردمحور به مرحله اتکا به دانش سازمان‌محور انتقال می‌دهد. توجه کنید که دانش سازمان‌محور، دانشی نیست که از روی هم نهادن دانش‌های فردی حاصل شود. پدیده نوظهوری است که فراتر از جمع جبری دانش‌های فردی است (ر. ک. پیچیدگی اقتصاد).

مرحله پنجم: فرایند جمع‌بندی

در این مرحله برای هر موضوع سیاستی در دستور کار، نظر یا نظرات کارشناسی دریافت می‌شود. در این مرحله، دبیرخانه بخش، موظف است بررسی کند آیا این نظرات، کافی است، اگر دیدگاه‌های متنوع دیگری هم طرح شده است که هنوز برای جمع‌بندی نهایی، آماده نیستند از روش‌های مربوطه برای رسیدن به یک یادگیری جمعی و ارتقاء سطح دانشی موجود بهره جسته و پس از اشباع نظری خبرگی، اقدام به تدوین گزارش سیاستی کند. در واقع انتظار است این بخش در این مرحله، نقش یک هاب یادگیری، برای پژوهشگران داخلی و خبرگان شبکه تحلیل سیاست، را ایفا نماید.

شبکه خبرگان سیاستی

تعریف شبکه خبرگان سیاستی: کارشناسان خبره سازمان، بازنشستگان با تجربه مدیریتی، فعالان عرصه سیاست‌گذاری عمومی به همراه پژوهشگران خط‌مشی عمومی، شبکه خبرگان سیاستی را تشکیل می‌دهند.

این شبکه، متکی بر فعالان عرصه سیاست‌های عمومی کشور است بنابراین محدود به خبرگان پیش‌گفته نیست یعنی در مراحل بعدی، این شبکه باید به سمت سیاست‌گذاری باز و با مشارکت مردم سوق داده شود. در رکن رصد، یکی از ورودی‌ها، نظرسنجی از مردم است که در مرحله بلوغ شبکه، می‌توان از آرای مستقیم مردم در اخذ اولویت و شکل‌دهی به گزینه‌ها استفاده کرد.

عضویت

مقصد نهایی شبکه، شکل‌گیری یک انجمن حرفه‌ای سیاست‌گذاری است. لذا همچون دیگر نهادهای حرفه‌ای، از یک منشور اخلاقی برخوردار است که معیارهای عضویت و سلب عضویت به صورت فعال در آن حاکم هستند. اعضای شبکه خبرگان سیاستی، به روش‌های مختلفی با گروه همکاری می‌کنند: برخی از افرادی که می‌توانند به‌طور بالقوه عضو این شبکه گردند عبارتند از:

۱- پژوهشگران و اعضای هیات علمی مرکز در حیطه‌های تخصصی خود و برای بهره‌گیری حداکثری از دانش شبکه خبرگان، عضو فعال شبکه هستند.

- ۲- مشاوران مرکز و همچنین، مجریان پروژه‌های تحقیقاتی در مرکز، خودبه خود به عضویت شبکه در می‌آیند و بخشی از فعالیت‌های خود را در قالب همکاری در این شبکه، به ثمر می‌رسانند.
- ۳- خبرگان سیاستی با تجربه در قوه مقننه و کمیسیون‌های آن، بنا به دعوت مرکز و یا با معرفی دبیر کارگروه، به شبکه خبرگان افزوده می‌شوند.
- ۴- پژوهشگران و افراد مجرب، با تکمیل فرم عضویت، می‌توانند درخواست عضویت داوطلبانه در شبکه خبرگان سیاستی را بنمایند که با بررسی کارگروه و نظر متولیان شبکه، عضویت آنها تأیید می‌شود.

شایان ذکر است که سطح دسترسی متفاوتی برای اعضای شبکه و برای موضوعات، اعمال می‌شود.

این طرح، با طرح بهره‌گیری از نظرات خبرگان کشوری (با هدف اخذ نظرات خبرگان استانی برای مسائل خاص آن مناطق) که در مرحله پایلوت قرار دارد همخوانی دارد و می‌تواند وظایف آن طرح را نیز پوشش دهد.

وظایف اعضاء شبکه

دبیرخانه کارگروه تعاملات اعضای شبکه را با تمهید فضای تعاملی لازم، تسهیل می‌بخشد.

اعضای موظف شبکه که رابطه تعریف شده‌ای برای همکاری با مرکز دارند، موظفند بخشی از فعالیت‌های پژوهشی مرتبط با پیشنهادیه‌های اولویت دار را برعهده بگیرند. به عبارت دیگر، از آنجا که این بخش، در راستای هدف کاربردی بودن پژوهش‌ها، یک مأموریت فراگیر مرکز را به پیش می‌برد، اعضاء موظف هستند بخشی از پژوهش‌های خود را به اولویت‌ها و فعالیت‌های این شبکه اختصاص دهند و بخشی از نهاد علمی شکل گرفته در این شبکه باشند.

اعضای غیرموظف شبکه، معمولاً دارای انگیزه‌های تأثیرگذاری کارشناسانه بر سیاست‌های عمومی هستند و با شکل‌گیری نهادهای این شبکه، اخلاق حرفه‌ای سازمانی ملموسی بروز می‌یابد که انگیزه‌های همکاری آنان را دوچندان می‌کند. با این وجود، سازوکاری تمهید می‌شود که فعالیت‌ها و گزارش‌های این اعضاء، از پاداش‌های مناسبی برخوردار شوند.

اعضای شبکه، دو فعالیت اختیاری و تکلیفی برعهده دارند. فعالیت اختیاری، مشارکت در مباحث جاری شبکه است که کاملاً اختیاری است. اعضاء، می‌توانند حسب علاقه خود، محتوای کارشناسانه‌ای را تهیه و به دبیر کارگروه ارسال کنند. دبیر نیز با دریافت گزارش‌های فردی، ممکن است افراد را به گروه‌های کاری اختصاصی تر شبکه (موسوم به حلقه اول) دعوت کند.

فعالیت تکلیفی اعضاء، فعالیتی است که با ارجاع یک پیشنهادیه مشخص از سوی دبیر شروع می‌شود و عضو توصیه شده، در فرصت زمانی مناسب، مشارکت خود در پژوهش را اعلام می‌کند و با برنامه زمانی مشخص، فعالیت مربوطه را در قالب فردی یا

گروهی انجام می‌دهد و یافته‌ها را در فضای شبکه، به اشتراک می‌گذارد. فعالیت‌های تکلیفی، برای اعضای غیرموظف، حق الزحمه دارد که با ضریبی که دبیر با استفاده از بازخورها و ارزیابی‌های کیفی برآورد می‌کند، تعیین می‌شود (پیوست نظام جبران خدمات).

سامانه و فرایند رصد لوایح و طرح‌ها

رصد لوایح و طرح‌های مرتبط با وظایف و مأموریت سازمان برنامه و بودجه کشور برای هدایت به‌هنگام پژوهش‌های مرکز، بسیار مهم و ضروری است.

رصدِ دستور کارهای سیاستی، در فاز نخست، به صورت منفعل انجام می‌شود به این صورت که برنامه کاری کمیسیون‌های تخصصی نهادهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور بررسی شده و موضوعات در دستور کار، شناسایی و بازتاب داده می‌شوند.

اما به مرور، این شبکه، به قدرت تأثیرگذاری فعالانه‌ای در ساختار سیاستگذاری کشور دست می‌یابد. برای این مرحله، تلاش بر آن است که مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، با به اشتراک گذاردن اخبار فعالیت‌های گروه‌های سیاستی و ذی‌نفعان آنها، نقش ترغیب‌کننده‌تری ایفا نماید و این شبکه، به اعتبار لازم در بین خبرگان و متخصصین دست یابد، به نحوی که با پرداختن به یک مسئله اجتماعی، توجهات کارشناسانه و ایده‌پردازی‌های لازم برای به ثمر رسیدن اقدام دولت فراهم آید. در این مرحله، یک سامانه رصد پویا و کامل، که شامل ورودی‌هایی از دستگاه‌های اداری، افراد کلیدی، کنفرانس‌ها و همایش‌های ملی، دستورات مقامات ارشد کشور، موضوعات نوظهور و هشدارهای راهبردی آینده‌نگران، بازخورهایی از مدیران ارشد و خبرگان شبکه و خروجی‌هایی در قالب مقالات سیاستی و بسته‌های اجرایی است.

سایر نکات

در این بخش، چند پرسش را که کمک می‌کند چرایی و ماهیت این طرح بیشتر آشکار شود را طرح و بررسی می‌شود.

۱- چرا شبکه خبرگان سیاستگذاری دولت لازم است آیا دستگاه‌های اداری که مختص موضوعات فوق هستند کافی نیست؟

۲- سابقه شبکه سازی برای سیاستگذاری در ایران و جهان چگونه است؟ وجه تمایز این طرح چیست؟

۳- موانع اصلی که پیش روی موفقیت این طرح است چیستند و آیا راه حلی برای آن تمهید شده است؟

۴- آیا این طرح، می‌خواهد یک شبکه جامع باشد که دیگر مراکز مشابه را شامل شود؟

۵- آیا خبرگان عضو شبکه، رده بندی می‌شوند؟ نظارتی بر عملکرد خبرگان در شبکه وجود دارد؟

- ۶- نحوه اولویت دهی و ورود به موضوع، تا چه حدی قابل تقویت است؟ اینکه یک عده محدود تصمیم گیر این مسئله باشند آیا مسئله ساز نیست؟
- ۷- اگر برای مثال، مرکز پژوهش‌های مجلس بخواهد در این شبکه مشارکت کند، شیوه تعامل چگونه تمهید شده است؟
- ۸- اگر مدیران ارشد سازمان‌ها و دستگاه‌ها مایل به استفاده مستقیم از مباحث شبکه باشند، چه تسهیلی برای این امر دیده شده است؟
- ۹- فراوانی و تکرار نظرات بسیار، می‌تواند بهره‌وری مخاطبان مباحث را کاهش دهد، چه تمهیدی برای این معضل آشنا اندیشیده شده است؟

پرسش ۱: چرا شبکه خبرگان سیاستگذاری دولت لازم است آیا دستگاه‌های اداری که مختص موضوعات فوق هستند کافی نیست؟

نخست، نظام اداری ایران، از آسیب‌هایی رنج می‌برد که پویایی نظام کارشناسی را محدود کرده است. در چنین شرایطی، تعداد خبرگان و کیفیت خبرگان هر دستگاه اداری به شدت محدود می‌شود.

دوم، دستگاه‌های اداری دولتی در همه جای دنیا، از رقابتی که بخش خصوصی از آن برای رشد خود بهرمنند می‌شود، محروم است و برای جبران این نقیصه، دستگاه‌های مشابه در کشورهای مختلف، ذیل مجموعه‌های بین‌المللی به تبادل آموخته‌ها می‌پردازند.

بنا به دو نکته فوق، ایجاد شبکه‌ای از تعاملات خبرگی در بخش عمومی ایران، توجیه دارد.

مزیدبراین، ماهیت سیاستگذاری در عصر شبکه‌های اجتماعی، ایجاب می‌کند که مدیران دولتی، دیگر تأمین‌کننده راه‌حل‌ها نباشند بلکه در نقش تسهیلگر گفتگوی ذی‌نفعان مختلف باشند که لازمه چنین نقشی، ایجاد شبکه‌های سیاستگذاری و رسیدن به سیاستگذاری باز است.

پرسش ۲: سابقه شبکه سازی برای سیاستگذاری در ایران و جهان چگونه است؟ وجه تمایز این طرح چیست؟

شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی یک وبسایت تحلیلی است که مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری اداره می‌کند. اعضای شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی را تعدادی از اساتید هیئت علمی دانشگاه‌ها، برخی دانشجویان رشته‌های مرتبط در دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و نیز تعدادی از فعالان حوزه کسب و کار تشکیل می‌دهند. در این شبکه تاکنون مقالاتی از حدود ۲۰۰ پژوهشگر و متخصص در حوزه‌های گوناگون سیاستی منتشر شده است.

شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی (شمس) ابزاری برای ایجاد ارتباط میان نخبگان جامعه و سیاستگذاران است. این شبکه فضایی را فراهم آورده است که ایده های سیاستی نخبگان کشور در حوزه های سیاستی گوناگون منتشر شده و این ایده ها و دانش سیاستی به سیاستگذاران دولتی منتقل شود. این شبکه که در سال ۱۳۹۳ با مدیریت مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری تاسیس شده است، متون سیاستی خلاصه در موضوعاتی چون محیط زیست، اقتصاد، سیاست خارجی، سیاست داخلی، بهداشت و سلامت، علم، فناوری و نوآوری، اجتماعی و فرهنگی منتشر می سازد.

این شبکه، دارای بخش تعامل اندیشمندان مشابه رکن بازتاب این طرح نیست.

پرسش ۳: چه موانعی پیش روی موفقیت این طرح است و آیا راه حلی برای آن تمهید شده است؟

عمده ترین مانع، فرهنگ حاکم بر تعاملات اعضای شبکه است

- ۱- ترس از مصادره اعتبار یافته ها به معدودی از افراد کم تلاش
- ۲- عدم طراحی سازوکار انگیزشی چندگانه که افراد مختلف را راضی نگاه دارد
- ۳- تجربه پیشینی نامطلوب از کار تیمی
- ۴- ناامیدی از موثر بودن مشارکت در اقدام نهایی
- ۵- سوءگیری خیره (شخصی، سازمانی، صنفی-سیاسی)

این طرح و تأکیدیاتی که بر طراحی تعاملات، نحوه عضویت و سلب عضویت، همگی تمهید و تلاشی در جهت فائق آمدن بر موانع مذکور هستند. در مرحله آزمایشی طرح، با یادگیری حین اقدام، تدابیر دقیق تری، شناسایی و اعمال می شود. جزئیات بیشتری از این تمهیدات در مرحله طراحی بسته نرم افزاری جای می گیرد.

پرسش ۴: آیا این طرح، می خواهد یک شبکه جامع باشد که دیگر مراکز مشابه را شامل شود؟

خیر. به نظر نمی رسد منافع سازمانی دیگر دستگاهها، اجازه چنین کاری بدهد. اما این امید هست که با موفقیت کامل این شبکه، مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری، این نگرش متقاعد کننده را ارائه نماید که این شبکه، ملی است و فراتر از مرکز، عمل می کند و اعتبار و موفقیت آن، مصادره نمی شود.

پرسش ۵: آیا خبرگان عضو شبکه، رده بندی می شوند؟ نظارتی بر عملکرد خبرگان در شبکه وجود دارد؟

در شبکه، حلقه اول هر موضوع، افراد با تخصص مربوط موضوع هستند. در حلقه دوم، همه خبرگان بدون رده بندی حضور دارند که می توانند در مباحث شرکت کنند. اعتقاد بر این است که موضوعات واقعی اجتماع، موضوع Topic هستند نه رشته Subject.

اقدامات و مشارکت خبرگان، توسط یک الگوریتم ارزشیابی، رصد می‌شود.

پرسش ۶: نحوه اولویت دهی و ورود به موضوع، تا چه حدی قابل تقویت است؟ اینکه یک عده معدود تصمیم گیر این مسئله باشند آیا مسئله ساز نیست؟

در مراحل آغازین این شبکه، مسئله اصلی، اولویت مسائل ملی نیست. اما در مراحل بلوغ شبکه، اولویت دهی برابر است با جلب توجه دولت به یک مسئله. چنین امری، دقیقاً یک کنش سیاسی است. از تجربیات دیگر کشورهای پیشرو، می‌توان گفت که حتی نظرسنجی برخط برای این امر، کفایت نمی‌کند. این اولویت دهی و معیارهای آن را در حال حاضر نمی‌توان جامع دانست.

پرسش ۷: اگر برای مثال، مرکز پژوهش‌های مجلس بخواهد در این شبکه مشارکت کند، شیوه تعامل چگونه تمهید شده است؟

این همکاری، در صورتی محقق می‌شود که شبکه بررسی سیاست‌های عمومی نقاط قوت خود را اثبات کرده باشد. طی یک توافق همکاری، می‌توان مدیریت بهره برداری از شبکه را به یک واحد غیر انتفاعی یا یک واحد با مدیریت مشترک سپرد و هر دو قوه از یک شبکه خبرگی گسترده تر با جبهه‌بندی‌های حرفه‌ای شناخته شده تر بهره‌مند شوند.

پرسش ۸: اگر مدیران ارشد سازمان‌ها و دستگاه‌ها مایل به استفاده مستقیم از مباحث شبکه باشند، چه تسهیلی برای این امر دیده شده است؟

سامانه بازتاب، دارای یک واحد پالایش مباحث و خلاصه نویسی انسانی است. مدیران محترم می‌توانند بعنوان یک خبره، در شبکه از محتوای تولید شده به طور مستقیم استفاده کرده و سوال و نقد ارائه نمایند. مخفی نگاه داشتن هویت افراد، برای بخشی از شبکه یا همه شبکه، اختیاری است ولی برای کارگروه مدیریت شبکه، آشکار است.

پرسش ۹: فراوانی و تکرار نظرات بسیار، می‌تواند بهره وری مخاطبان مباحث را کاهش دهد، چه تمهیدی برای این معضل آشنا اندیشیده شده است؟

سامانه بازتاب، دارای یک واحد پالایش مباحث و خلاصه نویسی انسانی است. علاوه بر این، سازوکار هوشمند مدیریت مباحث، به سرعت نقاط تعارض را شناسایی می‌کند و از پخش شدن بی‌هدف بحث جلوگیری می‌کند.

پیاده سازی پایلوت

پیاده سازی این واحد، مستلزم ایجاد سه رکن گفته شده است. رصد بعنوان رکن اول، در مراحل ابتدایی آن انجام شده است و جداول بروزی در بخش مربوطه ارائه شد. برای ایجاد رکن دوم، یعنی جذب اعضا پیشنهاد می شود:

(۱) فعالیت های مرکز در موضوع تحلیل لایحه بودجه سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۷ و همچنین مطالعات پشتیبان تدوین لایحه ۱۳۹۹ کل کشور، زمینه ایجاد هسته کارشناسی بودجه شبکه قرار گیرد و اطلاعات همه مشارکت کنندگان، موضوعات مورد علاقه، علاقمندی برای همکاری های آتی و ... فهرست شود.

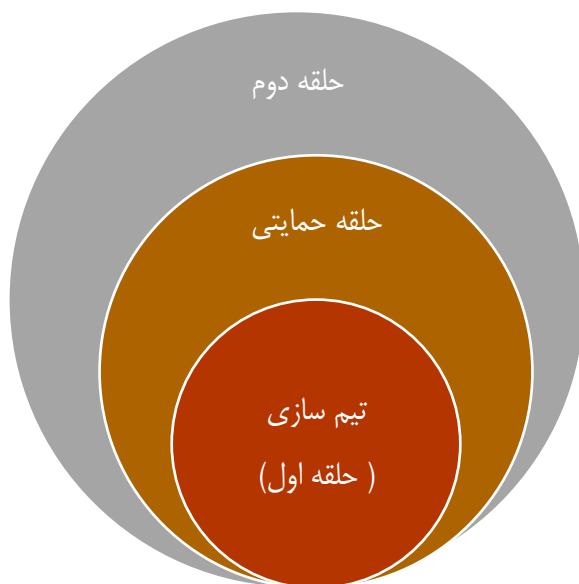
رکن سوم، فضای بازتاب است و ابتدایی ترین شکل آن، نامه نگاری و جلسات حضوری مرسوم است. اما پیشنهاد می شود برای مدیریت مستندات و به اشتراک گذاری آن ها و همچنین تسهیل بازتاب

(۲) یک فضای تبادل اطلاعات مجازی فراگیر به شبکه اختصاص یابد.

و نهایتاً

(۳) شبکه با برخی سوالات پژوهشی، مورد آزمایش قرار گیرد و میزان تبادل نظر میان اعضاء شبکه بررسی شود.

(۴) تقسیم کار صورت گرفته بین اعضای داوطلب، به اطلاع شبکه برسد و تیم سازی های بعدی مورد پیگیری قرار گیرد.



برای مثال، موضوع حذف چهار صفر از اسکناس و واحد پول کشور، در گام دوم زیر، اطلاع رسانی شده است.

۱. رصد

۲. اطلاع رسانی

۳. تهیه پیش نویس

یک فرد از اعضای موظف شبکه، پیش نویسی را تهیه می کند و در شبکه (گام ۴) شروع کار را اعلام می کند.

۴. اشتراک گذاری مستندات

همزمان با اعلام شروع کار، مستندات بیشتری در شبکه بارگذاری می شود.

۵. تیم سازی (حلقه اول)

یک حلقه اول از علاقمندان موضوع، تشکیل و اعلام می شود.

۶. توسعه فهرست خبرگان و موسسات پژوهشی مرتبط (حلقه دوم)

به روش گلوله برفی، خبرگان بیشتری به جمع خبرگان کل شبکه (حلقه دوم) افزوده می‌شود و ارتباط گیری برای حضور آنها، انجام می‌شود.

۷. فضای بازتاب و تعامل

حال در فضای بازتاب، فرایندهای زیر پیگیری می‌شود:

(۱) انگیزه‌های مشارکت و یادگیری

(۲) تقویت تعاملات

• جلسه حضوری

• قلمرو موضوع

• حلقه حمایت

• بازتاب پیشرفت کار

جلسه حضوری نخست برای قلمرو بندی موضوع و توجیه افراد برگزار می‌شود. در این جلسه، خبرگان بیشتری حضور دارند و برخی از این خبرگان، اگر به دلیل وقت یا انگیزه، عضو تیم (حلقه اول) نشوند ولی اعلام حمایت می‌کنند و در نقش حامی، در مباحث بعدی حضور می‌یابند.

۸. نشست جمع بندی

ممکن است نظرات متعدد، نشانگر یک اجماع خبرگی نباشد، در این صورت، مقدمات یک کارگاه آینده‌نگاری تمهید می‌شود تا با پیاده سازی روش‌های مناسب، به اجماع لازم دست یافت.

۹. تدوین بسته سیاستی

تیم حلقه اول، بسته سیاستی نهایی را تدوین می‌کند.

۱۰. پیگیری ترویج یافته‌ها و ارزیابی و ارج نهادن به همکاران شبکه

ارزیابی در شبکه حول بسته تدوین شده به صورت همتابه همتا، انجام می‌شود. سخنرانی‌هایی برای ترویج یافته‌ها در دستگاه‌های ذی‌نفع برگزار می‌شود و در نهایت، مشارکت‌کنندگان در شبکه، معرفی و قدردانی می‌شوند.

پیوست: چارچوب کلی تدوین گزارش‌های سیاستی Policy Paper

گزارش سیاستی

گزارش سیاستی یک نوشته پژوهشی چند رشته‌ای است که بر مسائل سیاست‌گذاری متمرکز شده و دارای توصیه‌های روشن برای تصمیم‌گیران سیاسی است. هدف گزارش سیاستی ابتدا آن است که توجه سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران را به یک موضوع سیاستی جلب کند و ادراک آنان را برای شناخت مسئله و راه‌حل‌ها چارچوب‌بندی کند. نتیجه دلخواه، متقاعد کردن تصمیم‌گیران است تا از تغییرات پیشنهادشده در گزارش دفاع کنند. در واقع، آنچه را در ذهن تصمیم‌گیران است، ساده و با چارچوب به رشته تحریر در می‌آورد. اما در عین حال، دقت دارد تا منافع شخصی افرادی مانند کارمندان، که این گزارش را می‌نویسند، در متن انعکاس نیابد و اگر چنین سوگیری محتمل باشد در مورد آن اطلاع لازم فراهم شود.

یکی از مشکلات سازمان‌های بزرگ و دولت‌ها، فاصله گرفتن منافع فردی مدیران با اهداف سازمان است. گزارش سیاستی از این لحاظ کمتر از گزارش‌های سازمانی شامل تعارض منافع است و توانایی این را دارد که به نقد سیاست‌های موجود بپردازد.

یک گزارش سیاستی، توجه تصمیم‌گیر به موضوع را جلب می‌کند، اشتراک مفاهیم را برقرار می‌کند و روند اجماع برای اقدام را نمایش می‌دهد.

ساختار یک گزارش سیاستی می‌تواند به صورت زیر باشد:

۱. عنوان

۲. خلاصه اجرایی: اکثر تصمیم‌گیران فقط این بخش از یک گزارش سیاستی را می‌خوانند.

۳. بدنه گزارش:

- زمینه یا بافتار: در حال حاضر، با آن مشکل خاص چگونه برخورد می‌شود؟ چرا این شیوه تا کنون اجرا می‌شده است؟

- تحلیل: چرا سیاست‌گذاری فعلی کار نمی‌کند؟ چرا باید به دنبال یک جایگزین باشیم؟

- انتخاب‌های سیاستی: دربارهٔ چند جایگزین و پیامدهای آن بحث می‌شود.

- توصیه‌ها: چند توصیه و چگونگی اجرایی کردن آن‌ها در این بخش نوشته می‌شود.

۴. نتیجه: خلاصهٔ تحلیل و توصیه‌ها می‌آید.

۵. ضمیمه: حاوی جدول‌ها، نقشه‌ها و نمودارهای مرتبط است.

حکمرانی مجموعه گسترده‌ای از ظرفیت‌ها و منابع برای اعمال قدرت بر دامنه گسترده‌ای از فعالین دولتی، غیردولتی و فراملی است و تنظیم‌گری فرآیندی است که زمینه را برای اعمال حکمرانی فراهم می‌کند.

تنظیم‌گری در معنای عام شامل انواع مداخلات دولت به منظور تحقق اهداف حاکمیت است. هدف از این مداخلات ایجاد «کنترل عمومی» بر ارائه‌کنندگان خدمات برای تضمین «منفعت عمومی» است.

تنظیم‌گری یکی از کارکردهای اصلی نظام حکمرانی نوین بوده که در کنار سایر کارکردها مانند سیاستگذاری، باز توزیع، تسهیل‌گری و نیز کارکرد سنتی ارائه کالا و خدمات، چارچوب کلان نظام حکمرانی مدرن را شکل می‌دهد.

تأمین منفعت عمومی از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اقتصاد سیاسی و همچنین از منظر ارتقای قابلیت و ظرفیت حکمرانی و نیز به جهت ناتوانی نظام قضایی در رسیدگی به تخلفات یکی از دلایل ضرورت شکل‌گیری نهادهای تنظیم‌گر در نظام حکمرانی است.

نظریه دولت تنظیم‌گر به‌عنوان یکی از نخستین نظریاتی که به چگونگی تحقق تنظیم‌گری توسط دولت می‌پردازد دارای سه فرض محوری است، اول اینکه تنظیم‌گری مقوله‌ای ابزاری است، دوم اینکه دولت محور اجرای تنظیم‌گری است و فرض سوم به محوریت قوانین حاکمیتی در اعمال تنظیم‌گری به‌عنوان اصلیت‌ترین ابزار اشاره دارد.

نظریه دولت تنظیم‌گر پس از ارائه و اجرا مورد نقد قرار گرفت. نتیجه انتقادهای شکل‌گیری نظریات و رویکردهای جدیدی بود که بر تمرکززدایی از فرآیند تنظیم‌گری و باز کردن دایره تنظیم‌گران و مفهوم «حکمرانی با فاصله» تأکید داشتند. رویکرد قانونی خودتولیدی، نظریه حکومت‌مندی فوکو، رویکرد تنظیم‌گری تعاملی (واکنشی) و رویکرد کالین اسکات با عنوان پسادولت تنظیم‌گر به نقد نظریه دولت تنظیم‌گر پرداخته‌اند و هریک از جهتی سعی در جبران نواقص آن داشته‌اند.

رویکرد «حکمرانی تنظیم‌گرانه» با تأکید بر تحولات مفهوم بنیادین حکمرانی در سالهای اخیر، استفاده از انواع فناوریهای نوین در کنار نوآوریهای نهادی و سیاستی را بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام‌های تنظیم‌گری می‌داند و معتقد است تنظیم‌گری امروزه عملاً از مقوله‌ای صرفاً حقوقی و اقتصادی به حوزه‌ای متنوع و پیچیده با ماهیت «نوآورانه و فناورانه»

تبدیل شده و پویایی، به‌روز بودن، فعالیت پیشدستانه، نهادسازی هوشمند و نگاهی جامع و بینبخشی از خصوصیات تنظیمگر نوین است که با ویژگی‌های سنتی تنظیم‌گر به‌عنوان نهادی قضایی، بوروکراتیک، رسمی و سلسله‌مراتبی ذاتاً متفاوت است. از مهمترین ویژگی‌های رویکرد «حکمرانی تنظیم‌گرانه» می‌توان به فناورانه بودن، ساختار حاوی تعارض که از یکسو دایره نفوذ تنظیم‌گری را گسترش می‌دهد و ازسوی دیگر تنظیم‌گران سطح فعالیت رسمی را محدود می‌کند، استفاده گسترده از ابزارهای انگیزشی و طراحی بازار و تأکید بر سهم بازار به مثابه اقتدار تنظیم‌گرانه، تعاملی و توافقی بودن، سیاست محور بودن، فرا اقتصادی بودن و وجود نگاه فراملی اشاره کرد. در این رویکرد قوانین رسمی کشور تنها سهم کوچک و البته مهمی در مسیر تحقق حکمرانی تنظیم‌گرانه برعهده دارند و بخش قابل توجهی از اعمال حکمرانی نوین، خارج از چارچوبه‌ای رسمی و البته مبتنی بر ساختار حقوقی ایجاد شده توسط حاکمیت، محقق خواهند شد.

در ایران طی سالیان طولانی، اکثر وظایف تنظیم‌گرانه مستقیماً توسط حکومت انجام می‌گرفته و تفکیک مشخصی بین سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری وجود نداشته است، اما با گذشت زمان به تدریج سازمانهایی در زیرمجموعه دولت به وجود آمدند که با تمرکز بر وظایف تنظیم‌گرانه، اموری همچون مجوزدهی، تنظیم بازار و اعمال برخی جرائم بر متخلفان را برعهده گرفتند و با تأسیس نهادهایی همچون کانون و کالا و سازمان نظام پزشکی، تنظیم‌گری بخشی و تخصصی پیشرفت کرده و به مرور برخی نهادهای نسبتاً مدرن تنظیم‌گر دولتی مانند سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و اخیراً سازمان تنظیم مقررات رادیویی نیز با هدف ایفای نقش تنظیم‌گرانه دولت ایجاد شده‌اند.

پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و تصویب قانون اجرای این سیاست‌ها که به تشکیل شورای رقابت انجامید، مرحله جدید استقرار نظام تنظیم‌گری در کشور آغاز شد که توفیق‌چندانی به همراه نداشته است. در کنار این، جریان جدیدی از تقاضای شکل‌گیری نهادهای قاعده‌گذار در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و تکنیکی نیز در سالهای اخیر آغاز شده است که به دلیل تفاوت ماهوی این عرصه‌های سیاستی و پیچیدگی به مراتب بیشتر فرآیند تنظیم‌گری در آنها تغییر رویکرد به سمت استفاده از الگوی حکمرانی تنظیم‌گرانه امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

اما آینده تنظیم‌گری به چه الگویی سوق دارد و به خصوص، در حوزه‌هایی نوظهور مثل حمل و نقل هوشمند، خودروهای خودران، پهبادهای تجاری، اسکوترهای برقی، خودروهای پرنده، حکومت‌ها چگونه باید قانون‌گذاری و

تنظیم‌گری کنند؟ در پاسخ مدل ۵ اصل تنظیم‌گری انگرز و همکاران ۲۰۱۸ به طور خلاصه معرفی می‌شود که گویای رویکردها و ظرفیت‌سازی‌های جدید در درون حکومت‌ها است:

تنظیم‌گری تطبیقی

گذر از «تنظیم‌گری کن و فراموش کن به» و انتقال به رویکرد تکراری و تعاملی



آزمایشگاه تنظیم‌گری

رویکرد نمونه سازی و آزمون در سندباکس‌ها و شتاب‌دهنده‌ها



تنظیم‌گری مبتنی بر پیامد

تمرکز بر نتایج و عملکرد به جای شکل



تنظیم‌گری وزنی مخاطرات

گذر از «یک سیاست برای همه» و رویکرد داده‌ران و بخش‌بندی شده



تنظیم‌گری همکارانه

هماهنگی در تنظیم‌گری ملی و بین‌المللی با درگیر کردن ذینفعان یک اکوسیستم



